



رابطه تمایز یافتگی خود و دزدگی زناشویی معلمان زن مدارس ابتدایی

سمیه غلامعلی پورجاغرق^۱

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی رابطه تمایز یافتگی خود و دزدگی زناشویی معلمان زن اجرا شد. روش: این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه آماری پژوهش حاضر شامل معلمان خانم ناحیه ۷ مشهد در سال تحصیلی ۹۷_۱۳۹۶ شهر مشهد بود. حجم نمونه در این پژوهش ۲۶۰ نفر بود که از طریق روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده ها از سه پرسشنامه: الف) مقیاس دزدگی زناشویی پانیز (۱۹۹۸)، ب) پرسشنامه تمایز یافتگی خود اسکورن و اسمیت (DSI-R (۲۰۰۳) استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از همبستگی پیرسون استفاده و توسط نرم افزار SPSS-25 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که بین تمایز یافتگی خود با دزدگی زناشویی ۳۸ درجه همبستگی منفی و معنادار وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: تمایز یافتگی خود، دزدگی زناشویی، معلمان زن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- کارشناس ارشد گروه مشاوره، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران (نویسنده مسئول)



مقدمه

خانواده از مهم‌ترین سیستم‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد. خانواده به عنوان واحد اجتماعی، کانون رشد، تکامل و تغییر و تحول آسیب‌ها و عوارض است که هم، بستری برای شکوفایی و هم، فروپاشی روابط میان اعضایش است (مارتین و همکاران^۱، ۲۰۱۹). یکی از مشکلات رایج در زوجین، دزدگی زناشویی است. دزدگی زناشویی^۲ وضعیت دردناک جسمی، عاطفی و روانی است و کسانی را که توقع دارند عشق رؤیایی به زندگیشان معنا ببخشد را متأثر می‌سازد. دزدگی هنگامی بروز می‌کند که آن‌ها متوجه می‌شوند، علی‌رغم تمام تلاش‌هایشان، این رابطه به زندگیشان هیچ معنا و مفهوم خاصی نداده است (زارعی، صادقی فرد و عدلی، ۱۳۹۲). از نظر لینگرن^۳ (۲۰۰۴) دزدگی، از پا افتادن جسمی و عاطفی و روانی و ناشی از عدم تناسب بین توقعات و واقعیات است. پاینز (۲۰۰۲) سه خصیصه را که بیشترین تأثیر را بر دزدگی دارند از طریق یک پژوهش به ترتیب، بار مسئولیت اضافی، مطالبات متناقض و تعهدات خانوادگی مشخص کرد (پاینز^۴، ۲۰۰۲؛ ترجمه شاداب، ۱۳۹۴). نکته قابل توجه این است که چه عواملی باعث ایجاد دزدگی زناشویی می‌شود که در این پژوهش به بررسی دو عامل تأثیرگذار پرداخته می‌شود.

عامل مؤثر اول مورد بررسی در دزدگی زناشویی در این پژوهش، میزان تمایزیافتگی زوجین است. تمایزیافتگی به عنوان، افزایش استقلال و مسئولیت‌پذیری تعریف می‌شود (هی لی، ۱۹۷۶؛ ترجمه ثنایی، ۱۳۹۴). تمایزیافتگی^۵ که مهمترین مفهوم نظریه سیستم‌های خانواده است، میزان توانایی فرد را در تفکیک فرآیندهای عقلانی و احساسی او نشان می‌دهد. افراد تمایز یافته، تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند و می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب کرده و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیمات نا فرجام می‌شود، کنترل خود را از دست نداده و با در نظر گرفتن عقل و منطق، تصمیم‌گیری کنند. در مقابل، افراد تمایز نیافته که هویت تعریف شده‌ای ندارند، در تنش‌ها و مسائل بین اشخاص موجود همراه با موج عاطفی خانواده حرکت می‌کنند و در نتیجه اضطراب مزمن بالایی را تجربه کرده و مستعد مشکلات روان‌شناختی و بروز نشانه‌های بیماری هستند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳؛ ترجمه براواتی و نقش بندی، ۱۳۹۶).

در بیان یافته‌های پژوهش پیشین نیز می‌توان به پژوهش‌هایی پیرامون این موضوع اشاره نمود. کاظمیان مقدم و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی نقش تمایزیافتگی در پیش‌بینی دزدگی زناشویی دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول به این نتیجه رسیدند که بین تمایزیافتگی و دزدگی زناشویی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. عشقی (۱۳۹۴) در بررسی رابطه سرسختی روان‌شناختی، تمایزیافتگی خود با دزدگی زناشویی معلمان زن متأهل مدارس ابتدایی شهر نیشابور به این نتیجه رسید که بین تمایزیافتگی خود و تمام مولفه‌های آن بجز مولفه جایگاه من با دزدگی زناشویی همبستگی منفی معنادار وجود داشت. همچنین پژوهش گابلمن^۶ (۲۰۱۴) در بررسی رابطه بین تمایزیافتگی و دزدگی زناشویی نشان دادند که بین تمایزیافتگی و دزدگی زناشویی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد و هر اندازه تمایزیافتگی زوج‌ها کمتر باشد تعارض‌های زناشویی و دزدگی زناشویی آن‌ها بیشتر خواهد بود.

¹ Martínez-Pampliega, Cormenzana, Corral, Iraurgi & Sanz

² burnout Marital

³ Lingern

⁴ Paineiz

⁵ Differentiation

⁶ Gabelman, E



باتوجه به مبانی نظری و پژوهشی ذکر شده شناسایی عوامل تأثیرگذار و مرتبط با دزدگی زناشویی و برنامه ریزی آموزش های مبتنی بر این یافته ها می تواند در پیشگیری از اختلافات زناشویی و پربارکردن ارتباطات موثر میان زوجین کمک نماید. در این میان معلمان زن به عنوان یک قشر دلسوز و به خاطر سر و کار داشتن با کودکان به عنوان آینده سازان جامعه و امور آموزشی و پرورشی آنها از حساسیت شغلی بالاتری برخوردارند که با انتقال ناراحتی و عدم شادی محیط خانه و روابط زناشویی موجب ایجاد خلق و روحیه منفی و کاهش بازده شغلی می شوند. توجه به کارکرد متعادل خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن آن؛ شناخت عوامل مؤثر در روابط زناشویی بالاخص دزدگی زناشویی، مهار و مدیریت آن به عنوان عامل پایداری زندگی خانوادگی، یکی از روش های قابل توجه در حل مشکلات زناشویی است. شناخت این عوامل به زوجین یاری می رساند تا با آشنایی با این عوامل به ایجاد، تقویت و یا اصلاح این متغیرها پرداخته و از بروز دزدگی زناشویی جلوگیری به عمل آورند. لذا با توجه به آسیب های دزدگی زناشویی معلمان و عوامل دخیل در آن و با توجه به اینکه نوع حمایت اجتماعی ادراک شده و تأثیر آن بر رفتارهای سازگارانه افراد در زندگی زناشویی و همچنین تأثیر تمایز یافتگی خود بر روابط عاطفی و خانوادگی، ممکن است هر یک از این متغیرها، عامل ایجاد مشکل و اختلاف بین روابط زوجین باشند، لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تمایز یافتگی خود و دزدگی زناشویی به اجرا در آمد.

روش

جامعه آماری تحقیق را، معلمان خانم ناحیه ۷ مشهد در سال تحصیلی ۹۷_۱۳۹۶ تشکیل می دادند. حجم نمونه در این پژوهش شامل ۲۶۰ معلم زن متأهل است که به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب گردید. روش پژوهش حاضر همبستگی و از نوع پیش بین بوده است و نمونه های انتخاب شده از بین کلیه دبستان های دولتی ناحیه ۷ مشهد انتخاب گردیده و پس از کسب رضایت و توجیه معلمان، فرایند توزیع پرسشنامه آغاز گردیده و در نهایت پس از کسب اطمینان از صحت پاسخ های داده شده پرسشنامه ها جمع آوری گردید و به منظور انجام فرایندهای آماری وارد چرخه تحلیل قرار گرفت.

ابزار

الف) دزدگی زناشویی پانیز^۱ (۱۹۹۸): این پرسشنامه ۲۱ ماده دارد که شامل ۳ جز اصلی خستگی جسمی (مثل احساس خستگی، سستی، داشتن اختلالات خواب)، از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل احساس بی ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) می باشد. تمام این موارد روی یک مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می شوند. ارزیابی ضریب اعتبار مقیاس دزدگی زناشویی نشان داد که آن دارای یک همسانی درونی بین متغیرها در دامنه ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است. روایی به وسیله همبستگی های منفی با ویژگی های ارتباطی مثبت به تأیید رسیده است.

ب) پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI-R): این پرسشنامه توسط جکسون در ۴۳ ماده بر مبنای نظریه بوئن ساخته شد (اسکورن و اسمیت، ۲۰۰۳). این مقیاس شامل چهار خرده مقیاس ۱- واکنش پذیری عاطفی، ۲- جایگاه من، ۳- گریز عاطفی، ۴- هم آمیختگی با دیگران است. نمره گذاری این پرسشنامه بصورت لیکرت ۶ درجه ای صورت می پذیرد. نمرات بدست آمده برای هر خرده مقیاس به مانند نمره کلی در دامنه ۱ تا ۶ قرار می گیرد. نمره کمتر این پرسشنامه، نشانه سطوح پایینتر تمایز یافتگی است. ضریب آلفای گزارش شده توسط اسکورن و فریدلندر برای

¹ Paniz Couple Burnout Inventory



پرسشنامه تمایز یافتگی خود ۰/۸۸ است. یونسی (۱۳۸۵) ضرایب پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه کرد که پایایی بالای این پرسشنامه را نشان می‌دهد.

یافته‌ها

ویژگی‌های توصیفی، پیش فرض نرمال بودن توزیع و نتایج همبستگی به ترتیب در جداول ۱ و ۲ آورده شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی و پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کالموگروف-	سطح معناداری
تمایز یافتگی خود	118.44	2.106	0.203	0.407

در جدول ۲ علاوه بر ارائه میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش، نتایج آزمون کالموگروف-اسمیرنوف ارائه شده است. نتایج آزمون کالموگروف-اسمیرنوف نشان داد که سطح معناداری برای تمام متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ است و فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد تایید قرار می‌گیرد.

در ادامه جهت تعیین رابطه بین متغیرهای دزدگی زناشویی و تمایز یافتگی از همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲ نتایج همبستگی تمایز یافتگی خود و دزدگی زناشویی معلمان

تمایز یافتگی خود	دزدگی زناشویی	
-0.380	1	دزدگی زناشویی همبستگی پیرسون
0.0001		معناداری
260	260	تعداد
1	-0.380	تمایز یافتگی خود همبستگی پیرسون
	0.0001	معناداری
260	260	تعداد

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون در جدول فوق بیانگر آن است که بین تمایز یافتگی خود و دزدگی زناشویی معلمان ۳۸ درصد همبستگی منفی معنادار وجود دارد ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری

دزدگی زناشویی، وضعیت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و کسانی را که توقع دارند عشق رویارویی و ازدواج به زندگیشان معنا ببخشد را متاثر می‌سازد (پانیز، ۱۹۹۸؛ ترجمه گوهری راد و افشار، ۱۳۸۳). در این راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه تمایز یافتگی خود و دزدگی زناشویی در معلمان زن صورت گرفت. و بر اساس نتایج به دست آمده، بین تمایز یافتگی خود و دزدگی زناشویی معلمان ۳۸ درصد همبستگی منفی معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش‌ها نشان داد که تمایز یافتگی خود می‌تواند پیش‌بینی کننده دزدگی زناشویی باشد (کازمیان مقدم و همکاران، ۱۳۹۶؛ گابلن، ۲۰۱۴). تمایز یافتگی که مهم‌ترین مفهوم نظریه سیستم‌های خانواده است، میزان توانایی فرد را در تفکیک فرآیندهای عقلانی و احساسی او نشان می‌دهد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳؛ ترجمه شاهی، نقش‌بندی و ارجمند، ۱۳۹۵). تمایز یافتگی شامل توانایی فرد برای باقی ماندن در ارتباط با دیگری در عین حفظ «ادراک خود» است، به عبارتی تمایز یافتگی یعنی توانایی حفظ استقلال در عین حفظ ارتباط با دیگران (اسکورون و فریدلندر^۱،

¹ Friedlander, M. L



۱۹۹۸). افراد تمایز یافته می‌توانند بدون ترس از یکی شدن، ضمن تجربه صمیمیت در روابط نزدیک، استقلال خود را حفظ کنند و زمانی که با اضطراب همسر خود مواجه می‌شوند، آرامش خود را حفظ کنند و زمانی که با اضطراب همسر خود مواجه می‌شوند، آرامش خود را حفظ کنند (اشنارخ، ۱۹۹۷؛ به نقل از حامدی و همکاران، ۱۳۹۱). بوئن (۱۹۷۸) معتقد است که در رابطه زناشویی هرگاه سطح تمایز یافتگی هردو زوج پایین باشد آمیزش عاطفی بیشتری روی می‌دهد که این حالت منجر به کاهش کیفیت زناشویی و سازگاری پایین در روابط زناشویی می‌شود. در عوض زوج‌هایی که حداقل آمیزش عاطفی را باهم دارند، بیشترین فردیت را نیز دارند و این، امکان باهم بودن باثبات و محکم‌تری به آن‌ها می‌دهد. تمایز یافتگی یک جزء جدایی ناپذیر از توانایی فرد برای رشد صمیمیت است و به نظر می‌رسد سطح تمایز یافتگی با سطح رضایت زناشویی مرتبط باشد. برای مثال همسرانی با سطوح پایین تمایز یافتگی که درهم آمیخته شده‌اند، ممکن است کم‌تر بتوانند بفهمند که برای بهبود روابطشان چه چیزی از یکدیگر می‌خواهند که این مطلب در نهایت به سطوح پایین‌تر رضایت زناشویی منجر می‌شود. هنگامی که این زوج‌ها با متغیرهای دیگری که با کاهش رضایت زناشویی مرتبط است - مثل تغییر نقش‌ها - روبرو می‌شوند، ممکن است سطوح پایین تمایز یافتگی، به خاطر فقدان توانایی‌شان در تمیز بین «خود» یکدیگر، به مشکلاتشان برای پیدا کردن راه حل بهتر، بی‌فزاید. این کاهش در رضایت زناشویی برای زوج‌هایی که در یکدیگر آمیخته شده‌اند نسبت به زوج‌هایی که بیشتر تمایز یافته‌اند، ممکن است بیشتر باشد. در واقع زوج‌هایی که بیشتر تمایز یافته‌اند، بهتر می‌توانند در طول رابطه‌شان، موانع را رفع کنند (پاتریک و همکاران^۱، ۲۰۰۷) و کم‌تر دچار دلزدگی می‌شوند. در واقع طبق نظریه بوئن (۱۹۷۸) در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش پذیرتر و رابطه ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را بهتر تحمل می‌کنند و برای این که مشکلات کم‌تری داشته باشند در پاسخ به عواطف خود و دیگران، آرامش خود را حفظ می‌کنند. در حقیقت زن و شوهرهایی که به یک اندازه از سطوح بالای تمایز یافتگی برخوردارند قادرند تا فردیت روشنی را به وجود آورند و حفظ کنند و هم‌زمان، صمیمیت عاطفی پخته، قوی و غیر تهدید آمیزی داشته باشند (گلادینگ، ۲۰۰۷؛ ترجمه بهاری و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین به زعم لیکانی^۲ (۲۰۱۳) در روابط زناشویی، تمایز یافتگی بالا فرد را قادر می‌سازد تا برای بهزیستی و صمیمیت بین خود و همسرش، مرزها را تنظیم کند و فرصت انجام آن را برای طرف مقابل نیز فراهم سازد. وقتی تمایز یافتگی زوج‌ها بالا باشد احتمال مقابله مناسب با تعارض‌ها نیز برای زوج‌ها بیشتر می‌شود و اضطراب، واکنش‌های هیجانی و در نهایت هم آمیختگی کاهش می‌یابد. در مقابل، تمایز یافتگی پایین در بین زوج‌ها باعث سطوح بالای هم آمیختگی شده که به از دست دادن «خود» افراد منجر می‌شود. این گونه پویایی‌ها می‌تواند تعارض بالا و در نهایت جدایی عاطفی به بار آورد. در واقع زوج‌های تمایز نیافته، به هنگام وقوع تعارضات زناشویی، به وسیله مکانیزم کناره‌گیری، حمله متقابل یا عکس‌العمل‌های دفاعی، واکنش نشان می‌دهند. در واقع در این گونه مناسبات زناشویی که زوج‌ها در چرخه تعارض - اجتناب قرار دارند، در ادامه تجربه احساسات منفی، رابطه به دلزدگی می‌انجامد (کایزر^۳، ۲۰۰۳). آن چه تمایز یافتگی در مناسبات زناشویی برای زوج‌ها فراهم می‌آورد افزایش توانایی آن‌ها برای صمیمی شدن با یکدیگر، حفظ حریم شخصی و در عین حال درک تفاوت‌ها در موقعیت‌های پرتنش است. در واقع تمایز یافتگی، از هم آمیختگی زن و شوهر در مواقعی بحرانی که باید بر اساس منطق دست به تصمیم‌گیری بزنند، جلوگیری کرده و آن‌ها را قادر می‌سازد تا مشکلات موجود در رابطه را با عقل و منطق و نه بر اساس واکنش‌پذیری‌های هیجانی و احساسی، رفع کنند.

¹ Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R.

² Likani, A.

³ Kaiser

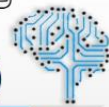


در حقیقت، آنچه زوج‌های تمایز نیافته را دچار مشکل می‌سازد، اجتناب و فاصله‌گیری در موقعیت‌های دشوار است که تنها تسکینی موقتی بوده و در درازمدت با تشدید تعارض‌های زناشویی و از بین بردن حریم زناشویی، آن‌ها را به سمت دلزدگی سوق می‌دهد. به عبارت دیگر هرچه افراد از سطوح تمایز یافتگی پایین‌تری برخوردار باشند، به دلیل آمیختگی بیش‌تر عقل و احساساتشان، در تعارض‌های زناشویی درگیر تنش‌های عاطفی شدید با همسر شده و دچار دلزدگی زناشویی در طولانی‌مدت می‌شوند.

هر تحقیق بنا بر ماهیت، موضوع مورد بررسی و روش کار خود دارای مشکلات محدودیت‌هایی می‌باشد. پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نبوده است. یکی از محدودیت‌های این پژوهش می‌تواند به مقطعی بودن و تک‌جنس بودن جامعه پژوهش؛ که تنها شامل معلمان خانم ناحیه ۷ شهر مشهد بود اشاره کرد که می‌تواند فرایند تعمیم‌پذیری نتایج را به سایر گروه‌های جمعیتی با محدودیت مواجه سازد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که متغیرهای این مطالعه در مطالعات بعدی بر روی جامعه وسیع‌تر و هر دو جنس اجرا و مقایسه گردد.

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان چنین پیشنهاد کرد که سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی مانند بهزیستی، مرکز امور زنان و خانواده، روانشناسان و مشاورانی که در حوزه اصلاح تعاملات خانوادگی فعالیت می‌کنند، می‌توانند در جهت طراحی و کاربست برنامه‌های مداخلاتی مبتنی بر متغیرهای پیش‌بین در راستای ارتقاء شاخص رضایت از زندگی زناشویی اقدام نمایند. از آنجا که تأکید درمانگران بر این مسئله که برای کمک به زوجین ناسازگار می‌توان با تکنیک‌های شناختی به شناسایی رفتارهای ناکارآمد و همچنین رشد ارتباط مؤثر زناشویی پرداخت، لذا با ایجاد آگاهی وسیع‌تر نسبت به این موضوع برای زوجین در هر قشری از جامعه، می‌توان دلزدگی زناشویی را کاهش داد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

- پاینز، آیلامالاج. (۲۰۰۲). چه کنیم تا عشق رویایی به دل زدگی نینجامد. ترجمه فاطمه شاداب. ۱۳۹۴. تهران: ققنوس
- پاینز، آیلامالاج. (۱۹۹۶). دلزدگی از روابط زناشویی. ترجمه سید حبیب گوهری راد و کامران افشاری. (۱۳۸۳). تهران: انتشارات رادمهر
- حامدی، رباب؛ خسروی، زهره؛ پیوسته گر، مهرانگیز؛ درویزه، زهرا؛ خدابخش، روشنگر؛ صرامی، غلامرضا. (۱۳۹۱). بررسی تمایزیافتگی خود و کیفیت رابطه با غیر همجنس در دانشجویان مجرد. فصلنامه مطالعات روانشناختی، ۴(۴)، ۷۱-۵۷
- زارعی، اقبال؛ مریم، صادقی فرد؛ مریم، عدلی. (۱۳۹۲). اثربخشی زوج درمانی الیس (رویکرد عقلانی عاطفی هیجانی) در تغییر سبک اسناد و کاهش تعارضات و دلزدگی زناشویی زوجین شهرستان بندرعباس. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه هرمزگان
- عشقی، علی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ی سرسختی روان شناختی، تمایزیافتگی خود با دلزدگی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه دولتی بجنورد - دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ۱۳۹۴.
- کاظمیان مقدم، کبری؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز؛ کیامنش، علیرضا؛ حسینیان، سیمین. (۱۳۹۶). نقش تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در پیش بینی دلزدگی زناشویی دانشجویان زن متأهل. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ. سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۹۶
- گلادینگ، ساموئل، تی. (۲۰۰۷). خانواده درمانی، تاریخچه، بن ظریه و کاربرد. ترجمه هی فرشادب هاری، بدری السادات بهرامی، سوسن سیف و مصطفی تبریزی. (۱۳۹۷). تهران: انتشارات تزکیه.
- گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت. (۲۰۰۳). خانواده درمانی. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی براواتی و سیامک نقش بندی. (۱۳۹۶). تهران: نشر روان
- هی لی، جی. (۱۹۷۶). خانواده درمانی. ترجمه باقر ثنائی. ۱۳۹۴. تهران: انتشارات امیرکبیر

- Gabelman, E. (2014). The effects of locus of control and differentiation of self on relationship satisfaction. Department of Human Development and family Science. 1-20
- Kaiser, A. (2003). The ways enhancing intimacy. New York: The Gilford Press.
- Likcani, A. (2013). Differentiation and intimate partner violence. Dissertation for Doctor of Philosophy, College of Human Ecology, Kansas State University.
- Lingern, H. (2004). Marriage Burnout. 6 ed. New York: The Gilford Press. Tuason MT, Friedlander, ML. Do parents differentiation levels predict those of their adult children? And other tests Of Bowen theory in a Philippine sample. Journal of Counseling Psychology 2014. 4(1):27-35.
- Martínez-Pampliega, A., Cormenzana, S., Corral, S., Iraurgi, I., & Sanz, M. (2019). Family structure, interparental conflict & adolescent symptomatology. Journal of Family Studies, 1-16. doi:10.1080/13229400.2018.1536609
- Skowron, E., & Friedlander, M. L. (1998). The differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. Journal of Counseling Psychology, 45, 235-246.



The relationship between differentiation and marital disturbance in primary school Women teachers

Purpose: The aim of this study was to investigate the relationship between self-differentiation and marital boredom of female teachers. **Method:** This is a descriptive correlational study and the statistical population of the present study included Married Women Teachers in District 7 Mashhad in 2017-18. The sample size in this study was 260 people who were selected simple Multi-step randomization. To collect data, three questionnaires were used: a) Paniz's Marital disturbance (1986), b) Self-differentiation questionnaire DSI-R (1998). To analyze the data, descriptive statistics (mean, standard deviation) and inferential statistics, Pearson correlation analysis were used and statistically analyzed by SPSS software. **Results:** The results showed that there is a significant negative correlation between self-differentiation and marital boredom of 38 degrees.

Keywords: differentiation, marital disturbance

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی